

## بیانیه کانون صنفی معلمان به مناسبت روز جهانی معلم



به نام خداوند جان و خرد

بیانیه کانون صنفی معلمان به مناسبت روز جهانی معلم ( 13 مهر/5 اکتبر/2010)

### بهبود با معلمان آغاز می گردد\*

در آستانه روز جهانی معلم ( 13 مهر/5 اکتبر ) و در هفته دوم از آغاز سال تحصیلی، کانون صنفی معلمان به عنوان یک نهاد صنفی، وظیفه ی خود می داند دیدگاه ها و انتقادات خود نسبت به روند کلی آموزش و پرورش را با همکاران، مسئولان آموزش و پرورش و کشور در میان گذارد. از نگاه ما آموزش و پرورش و مسائل آن فراتر از محدوده ی یک وزارت خانه است و حل مشکلات روز افزون آن نیاز به عزمی ملی دارد . تنها در چنین شرایطی است که معلمان، جایگاه و منزلتی می یابند درخور مسئولیت سترگی که بر دوش گرفته اند. با آغاز هرسال تحصیلی، میلیون ها کودک و نوجوان به مرحله ی نوینی از زندگی خود پا می گذارند. به ویژه نوباوگانی که برای نخستین بار آکنده از هیجان ، هراس و امید از محیط کوچک و مأنوس خانواده به فضای بزرگتر و ناشناخته مدرسه گام می گذارند. از شادباش های رسمی و رسانه ای که بگذریم به عنوان دست اندرکاران تعلیم و تربیت کشور، فعالان صنفی و البته والدینی که در تلاشند تا اندکی ژرف تر به شرایط آموزش و پرورش کشور بیندیشند، نمی توانیم نگرانی خود را از سرنوشت این کودکان ابراز ننماییم.

به عنوان معلم متاسفیم از اینکه در سامانه ای آموزشی فعالیت می کنیم که رشد و شکوفایی همه جانبه ی انسان را به فراموشی سپرده است و فرصت های آموزشی نه براساس برابری انسان ها که بر مبنای موقعیت و طبقه اقتصادی و اجتماعی در اختیارشان قرار می گیرد. آموزش و پرورشی که نقش محوری معلم را نادیده می گیرد و با نگاهی بخشنامه ای و یک سویه معلمان را در پایین ترین سطح هرمی قرار می دهد که در راس و سطوح میانی آن مدیران عموماً سیاسی، پیاپی در حال رفت و آمدند.

نیز متاسفیم که در یک نظام آموزشی متمرکز و متکی به کتاب درسی واحد، کتاب هایی را تدریس می کنیم که سال به سال القانات ایدئولوژیک و سیاسی – جناحی خاص، در آن ها رخنه بیشتری می یابد و ذهن کودکان ما را با تفکر علمی و انتقادی بیگانه می سازد. با حجم بالای مطالب و تکیه صرف بر حافظه، توان تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و نوآوری را از آن ها می گیرد. کتاب هایی که نه تنها یکی از زیبایی های جامعه ایرانی یعنی تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و ... در آن ها دیده نمی شود بلکه به نقش موثر زنان در جامعه کنونی ایران بی اعتنا می ماند و یا کم ترین اهمیت را به آن می دهد. به عنوان فعالان صنفی و مدنی براین باوریم آموزش و پرورش ما به دلیل ضعف و بی ثباتی مدیریت، کسری بودجه مزمن و بی توجهی به برنامه ای بلند مدت، رسالت خود در تربیت اجتماعی دانش آموزان را به فراموشی سپرده است، ارتباط سازنده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود با جامعه را از دست داده و از همگامی با تحولات جهانی آموزش و پرورش بازمانده است. نظام آموزشی ما نقش موثر و از پیش اندیشیده ای در آموزش مهارت های زندگی، چگونگی مقابله با آسیب های اجتماعی، آموزش حقوق شهروندی و سیاسی به جوانان کشور ندارد. فارغ التحصیل آن، نه تنها مهارت های اجتماعی لازم را ندارد بلکه آمادگی برای ورود به بازار کار را نیز کسب نمی نماید. با کارکردهای نوین آموزش و پرورش جهانی مانند آموزش

محیط زیست، حقوق شهروندی و مردم سالاری و استفاده از فن آوری های نوین اطلاعات و ارتباطات در آموزش نیز بیگانه است. بی سبب نیست که علی رغم همه ی آسان گیری هایی که برای عبور دانش آموزان از مقاطع تحصیلی مختلف در نظر گرفته می شود، میزان افت تحصیلی همواره رو به افزایش بوده و مدرسه به محیط کسالت باری برای دانش آموزان تبدیل شده است که بیشتر آن ها در پی گریز از فضای بسته آن می باشند. ناچاریم جملاتی را که دست کم در یک دهه ی گذشته بارها تکرار کرده ایم بار دیگر بیان نماییم: نگاه مدیران ارشد کشور به آموزش و پرورش به عنوان یک دستگاه مصرفی، قرار دادن آن در رده های آخر از نظرتخصیص بودجه و بی توجهی در به کارگیری نیروهای متخصص در سطوح مختلف آن، پیامدهای منفی گسترده ای را در سطح جامعه ایجاد نموده و خواهد نمود. پیامد هایی مانند افت تحصیلی و ترک تحصیل گسترده، ضعف مهارت های اجتماعی که نتیجه آن آسیب های اجتماعی از قبیل گسترش خشونت، اعتیاد، طلاق در خانواده های جوان، بزهکاری به ویژه در میان نوجوانان و جوانان، رشد پدیده ای به نام کودکان کار، احساس ناکامی و افسردگی تنها بخشی از آن هاست. ناگفته پیداست هزینه های مادی و معنوی رویارویی با چنین آسیب هایی ده ها و شاید صدها برابر بودجه ای است که باید به آموزش و پرورش اختصاص داده شود. نگرانیم علیرغم پیشرفت فن آوری های نوین ارتباطی و ورود مستقیم و غیر مستقیم آن ها به عرصه آموزش که تاثیر گذاری و انتقال ارزش ها به مردم سراسر جهان به ویژه کودکان و نوجوانان را در پی دارد، دستگاه تعلیم و تربیت کشور ما همچنان ساختار سنتی خود را حفظ نموده است. از تعاملی پویا و سازنده با جامعه ی ایرانی و جهانی بازمانده، روز به روز در تربیت نسل هایی که بناست حافظ فرهنگ و هویت ملی این کشور باشند، نقش حاشیه ای تری ایفا می نماید. نتیجه دیگر این شرایط می تواند کاهش شدید شوق یادگیری و علم آموزی و تمایل به گریز هرچه بیشتر از محیط های آموزشی و تلاش برای کسب مدرک به هر وسیله ی ممکن باشد. ما ایمان داریم راه برون رفت کشور از بسیاری مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که هم اکنون درگیر آن است پرداختن به آموزش و پرورش در یک چارچوب ملی و ایجاد تحولات ساختاری و محتوایی بنیادی در آن است. بدیهی است انجام کارهای عامه پسند مانند تغییر نام مقاطع تحصیلی، افطاری دادن و تکریم های کلامی تکراری از معلمان، مشکلات آموزش و پرورشی را که دانش آموزان، معلمان و به عبارتی بخش های گسترده ای از جامعه از آن ناراضی اند را حل نخواهد نمود. به طریق اولی سرکوب نهادهای صنفی منتقد و بازداشت معلمان معترض چاره ی دردهای آموزش و پرورش نیست، سهل است حضور معلمان دلسوزی همچون **رسول بدافی ، هاشم خواستار، محمد داوری، عبدالله مومنی و...** در زندان در روزی که به نام معلمان جهان نام گذاری شده است برجان و روان فرهنگیان اندوهی گران، همراه با حسی از نارضایتی و ناامنی شغلی برجای می گذارد.

#### **سخنی با وزیر محترم آموزش و پرورش:**

"من امروز آمده ام تا در این وزارت خانه دست معلم را بگیرم و او را به قله برسانم" در مدت ده ماهه ی وزارت شما، بارها شاهد و شنونده جملاتی از این دست بوده ایم؛ اما در راستای عملی نمودن آن ها کار موثر و برجسته ای ندیده ایم . در میان اقدامات شما در این مدت شاید بتوان تنها از بیمه طلایی نامی به میان آورد که تا حدودی رضایت خاطر نسبی فرهنگیان را در پی داشته است. اما رسیدن به اهداف بلندی که بسیار عنوان نموده و می نمایید راهکارهایی بنیادین و ساختاری می خواهد که در آموزش و پرورش نهادینه گردد و با تغییر وزیر یا دولت به دست فراموشی سپرده نشود. در زیر چند نمونه از پیشنهاداتی که در قوانین و آیین نامه های فعلی موجود است اما توجهی به آن ها نمی شود را مطرح می نمایم:

**1. طرح مدیریت انتخابی مدرسه و مناطق آموزش و پرورش:** همان طور که می دانید براساس این طرح مدیر مدرسه با رای معلمان انتخاب می شود. بنا بر این بود که طرح، گسترش یافته تا انتخابی شدن مسئولان مناطق نیز پیش برود. با روی کار آمدن دولت نهم این برنامه کنار گذاشته شد و وزیران مختلف این دولت هیچ گونه تمایلی به اجرای آن نداشتند چه رسد به گسترش آن. اگرچه این طرح به تنهایی تغییری اساسی در آموزش و پرورش ایجاد نمی نماید لیکن تا حدودی بر جایگاه آموزگاران و ارزش و انگیزه آن ها می افزاید . اکنون که وزیر محترم دغدغه ی جایگاه معلمان را دارد می تواند این طرح را احیا نموده و به طور جدی به اجرای آن اهتمام نماید.

**2. تقویت جامعه مدنی و تشکل ها :** سند ملی آموزش و پرورش که شما نیز بارها از آن سخن گفته اید، نقش برجسته و قابل تاملی برای جامعه مدنی فرهنگیان در نظر گرفته است . از سیاست گذاری و برنامه ریزی در آموزش و پرورش گرفته تا

نظارت بر امور و ارزشیابی عملکرد مسئولان: "مشارکت معلمان در تولید طرح ها و برنامه های تربیتی و اصلاحی، تولید محتوا، تصمیم گیری ها در سطح مدرسه، مناطق و کشور از طریق تشکلهای و انجمن های علمی و حرفه ای" در این که وجود جامعه ی مدنی نیرومند، مبنای افزایش جایگاه فرهنگیان است، شکلی وجود ندارد. بنابراین، چنانچه به راستی دغدغه ی بالا بردن جایگاه معلمان وجود دارد یکی از بهترین کارها، تقویت این گونه نهادها و انجمن ها می باشد.

**3. تقویت شورای معلمان:** در حال حاضر شورای معلمان مدارس به شکل کاملاً نمایشی و بی اثر در هر سال تحصیلی حدود سه یا چهار جلسه برگزار می کند که به دلیل بی انگیزگی شرکت کنندگان، فاقد هرگونه کارایی است. به نظر می رسد مشکل اساسی این شورا، نداشتن جایگاه در ساختار مدیریتی مدرسه باشد. به عبارت دیگر برای نظرات و تصمیمات احتمالی معلمان در این شورا، هیچ گونه ضمانت اجرایی وجود ندارد. پیشنهاد می شود در چارچوب قوانین موجود، مصوبات این شورا جنبه اجرایی یافته و افزون بر این، با گسترش و تقویت شوراهای معلمان در سطح مناطق، استان ها و کشور، این نهاد مهم آموزش و پرورش از محاق بیرون آید و جایگاه واقعی خود را بیابد. نباید فراموش کرد که شورای معلمان می تواند و باید در برنامه ریزی های آموزشی و تربیتی مدرسه، تصمیم گیرنده ای مهم باشد.

**4. مقابله با تضعیف نقش پرورشی معلمان :** بی تردید هر معلمی دارای دو نقش آموزشی و پرورشی است و مستقیم و غیر مستقیم بر شکل گیری اندیشه و شخصیت دانش آموز تاثیر می گذارد. مدت هاست با پافشاری بر پدیده ای به نام مربی تربیتی و به تازگی، حضور روحانیون در مدرسه، به نظر می رسد معلمان را فقط برای ارائه ی آموزش های تخصصی می خواهند. وزیر محترم می تواند با موضع گیری در مقابل این روند و با دستورهای روشن، این تصور درست و ارزشمند خود را جامعه ی عمل بهوشاند که : "تحول واقعی در آموزش و پرورش با محوریت معلم شکل می گیرد، همه چیز فرع است."

معلمان

صنعتی

کانون

1389/7/ 11

\*شعار EII (سازمان آموزش جهانی) برای روز جهانی معلم سال 2010